

تعاملات ژئوپلیتیکی ج.ا.ا با آسیای مرکزی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

نظامعلی صالحی^۱

چکیده

تحولات سال ۱۹۹۱ میلادی در اتحاد جماهیر شوروی سابق که منجر به استقلال جمهوری های آسیای مرکزی^۲ CIS گردید، برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا بستر مناسبی برای نزدیکی بیشتر در راستای تعاملات ژئوپلیتیکی ایران و آسیای مرکزی فراهم آمده است.

بحث رژیم حقوقی دریای خزر و تأثیرات این دریا بر زندگی انسان های ساکن در پنج جمهوری حاشیه خزر نیز از تعاملات ژئوپلیتیکی معنا و مفهوم خاصی پیدا می کند. نقاط و مناطق ژئوپلیتیکی در داخل کشورهای آسیای مرکزی و جمهوری اسلامی ایران سرنوشت همدیگر را تحت تأثیر قرار می دهند و سیاست های جغرافیایی تکالیف زیادی را در راستای ایجاد تعامل منطقی به ج.ا.ا و آسیای مرکزی دیکته می کند که نگرشی عمیق به جنبه های مختلف آن می تواند در راستای اهداف و منابع ملی موثر و مفید باشد. حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی از یک سو و از طرفی حل نشدن رژیم حقوقی دریای خزر و نیز موضوع انرژی های هیدروکربنی (نفت و گاز) بر اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی این منطقه افزوده است و همکاری فی مابین با ایجاد تعاملات منطقی بسیار ضروریست.

^۲- Common wealth of independent states.

مقدمه:

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق مرزهای جنوبی اساساً برای روسیه از لحاظ ژئواستراتژیکی و ژئوپلتیکی اهمیت خاصی پیدا کرد که این اهمیت علاوه بر عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی نشانگر آن است که نقش ژئوپلتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه دائماً در حال افزایش است، در سال ۱۹۹۱، ۱۴ کشور از جمله پنج جمهوری آسیای مرکزی یعنی ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان و سه جمهوری قفقاز یعنی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان از پیکره شوروی سابق جدا شدند و اعلام استقلال نمودند. این کشورها به سبب عوامل جغرافیایی، اقتصادی، تاریخی، فرهنگی و قومی و مذهبی خود از ویژگی‌های خاص در روابط ژئوپلتیکی و اقتصادی خویش برخوردارند، نخست آن که آسیای مرکزی از لحاظ جغرافیایی در محل تقاطع اروپا در غرب و آسیا در شرق واقع شده و از شمال نیز محدود است به روسیه و از جنوب به جهان اسلام و در نتیجه از موقعیت استراتژیکی بسیار عمده‌ای برخوردار است، دوم آن که این منطقه فاقد جزیره^۱ است و به دریا راه ندارد، آسیای مرکزی تنها می‌تواند با عبور از خاک همسایگانش به آب‌های آزاد جهان راه پیدا کند، سوم آن که در آسیای مرکزی منابع طبیعی به ویژه گاز و نفت و فلزاتی به غیر از آهن به وفور یافت می‌شود، و علاوه بر آن این منطقه دارای شرایط مناسبی جهت کشت پنبه و سایر محصولات کشاورزی است، چهارم آن که آسیای مرکزی با فرهنگ ترکی و اسلامی پیوند‌های دیرینه دارد و تعاطی فرهنگ شرق و غرب بر آن اثر نهاده است "

آسیای مرکزی با خصوصیات جغرافیایی خود زمانی مساحت مهمی از جاده معروف ابریشم را در بر گرفته بود و در مبادلات فرهنگی و اقتصادی میان شرق و غرب سهم

1- land lock

بزرگی در تاریخ بخود اختصاص داده بود از طریق آسیای مرکزی بود که سه اختراع چین در دوران باستان یعنی قطب نما، باروت و دستگاہ چاپ کننده چوبی در جهان غرب و اروپا اشاعه یافت و بسیاری از فراورده های تمدن غرب در مشرق زمین رواج پیدا کرد، اقتصاد و فرهنگ آسیای مرکزی نیز طی تبدلات فرهنگی و اقتصادی با شرق و غرب پیشرفت حاصل کرده و لذا بخشی از مراکز فرهنگی باستانی در آسیای مرکزی از قبیل سمرقند و بخارا که در آن دوران ظهور کردند، نمونه آشکار چنین تاثیری هستند^۱

زمانی که قدرت های امپریالیستی اروپا توسعه خود را به سوی شرق آغاز کردند و کشورهای مشرق زمین را به زیر نوعی استعمار بردند، آسیای مرکزی مانند سایر نقاط مشرق زمین، هدف استعمار و استثمار قدرت های امپریالیستی قرار گرفت.

" کل جهان دستخوش دگرگونی های عمده و پر دامنه، به ویژه از زمان آغاز دهه اخیر در قرن حاضر گردیده است. عوامل عمده ای که موجب این تحولات گردیدند عبارت بودند از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن جنگ سرد^۲ دست هایی که در آسیای مرکزی و در جمهوری اسلامی ایران بر زمین (انسان ها، فضا و ایدئولوژی) حاکم است در بسیاری از موارد با هم وجه مشترک دارند که نمونه بارز آن در بعد انسانی دارا بودن فرهنگ مشترک اسلامی و دینی در بعد ایدئولوژی مذاهب و قومیت های واحد در دوسوی مرزهای هم جوار نظیر ترکمنستان که ترکمن ها ساکن هستند و در شمال شرق که آذری ها ساکنند. ژئواکونومی موجود در هر دو منطقه یعنی ایران و آسیای مرکزی نظیر منابع سرشار گاز و نفت باعث آن گردیده تا هر دو طرف بناچار در تعامل باشند و در حقیقت ژئوپلیتیک منطقه طوری بنا شده تا ایران و آسیای مرکزی در این بعد

۱- دکتر تیو شو کوئی - ترجمه شاهرخ بهار، انتشارات وزارت امور خارجه - فصلنامه سال ۱۳۷۲ صفحه ۱۱

۲- دکتر تیو شو کوئی - ترجمه شاهرخ بهار، انتشارات وزارت امور خارجه - فصلنامه سال ۱۳۷۲ صفحه ۱۱۶

احساس برقراری تعامل منطقی نمایند، موضوع رژیم حقوقی دریای خزر و سیاست های حاکم بر این دریا که از گذشته های دور وجود داشته و اکنون شرایط جدیدی بر آن حاکم گردیده که خود از مسائل بارزی است که برقراری ارتباط بین ج.ا.ا و آسیای مرکزی و قفقاز را اجتناب ناپذیر می نماید. از طرفی حضور و نفوذ قدرت های فرا منطقه ای نیز که در راستای واگرایی منطقه آسیای مرکزی از مسکو و نیز کنترل موج اسلام خواهی و به یغما بردن ثروت های خدادادی تلاش می نمایند، از مصادیق بارز و اجتناب ناپذیر برقراری ارتباط بین ج.ا.ا و آسیای مرکزی است.

مراحل بررسی در این مقاله در ۳ بعد محیط، انسان و ایدئولوژی بطور اجمال مورد بحث و بررسی قرار می گیرد

الف) بررسی محیطی:

آسیای مرکزی از طریق کشور همجوار ما ترکمنستان بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مرز خشکی و ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی از طریق دریای خزر با جمهوری اسلامی ایران دارد و قفقاز نیز از طریق آذربایجان، ارمنستان حدود ۷۵۰ کیلومتر مرز با ج.ا.ا دارد، وسعت خاک آسیای مرکزی ۴/۲۰۰ میلیون کیلومتر مربع و وسعت خاک قفقاز ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد.

برای همگان روشن و پر واضح است که محیط در سیاست تاثیر می گذارد بعنوان مثال موقعیت ریاضی کشورها که در نیمکره شمالی یا جنوبی باو یا پایین خط استوا قرار دارند از نظر ژئوپلیتیکی کاملاً مد نظر صاحبان قدرت در سطح جهان می باشد. در این زمینه ج.ا.ا و آسیای مرکزی و قفقاز هر سه در نیمکره شمالی و بالای خط استوا قرار دارند که

وجه مشترک و نکات مهم در هر کدام از مناطق یعنی ج.ا.ا، آسیای مرکزی و قفقاز به شرح زیر مورد کنکاش قرار می گیرند .

ژئوپلتیک دریای خزر^۱

(۱) ترتیبات همکاری بین دولت های منطقه، به علت ورود این منطقه در معاملات سیاسی و جلب توجه جامعه بین المللی به آن به شدت تحت تاثیر ژئوپلتیک و سیاست های کشورهای فرا منطقه ای قرار گرفته است . علاوه بر این منابع هیدرو کربن دریای خزر، حل و فصل رژیم حقوقی و مسئله محیط زیست این دریا را به موضوعی ثانویه تبدیل کرده است و حضور کشورهای فرا منطقه ای با علایق اقتصادی و استراتژیک متفاوت، می تواند موجب برهم خوردن ثبات در منطقه گردد. ظهور و شکل گیری منطقه خزر بر روی نقشه سیاسی جهان از رویدادهای مهم ۱۵ سال اخیر یعنی از پیامدهای بارز فروپاشی شوروی (دسامبر ۱۹۹۱) محسوب می شود و می توان آن را در یک مولود ژئوپلتیک نامید. تا قبل از این تاریخ دریای خزر به عنوان یک دریای شوروی- ایرانی شناخته می شد و طبق معاهدات فی مابین دو کشور (۱۹۲۱-۱۹۴۰) عرصه مشترک دو کشور محسوب می شد ولی در عمل روسیه نفوذ بیشتری را اعمال می نمود . قدرت های فرا منطقه ای بخصوص ابرقدرت آمریکا، به این دریا بیشتر به صورت یک دریاچه داخلی نگرستند و دخالتی در امور آن نمی نمودند لیکن به دنبال فروپاشی شوروی دریای خزر در کانون یک منطقه بین المللی جدید قرار گرفت و روز به روز بر

^۱-خانم دره میر حیدر استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، چاپ وزارت امور خارجه، شماره ۳۵ پاییز ۸۰ (صفحه ۵۵-۶۱)

اهمیت ژئوپلتیکی آن افزوده شد. این منطقه با وسعتی قابل توجه، جمعیتی قابل ملاحظه، و قابلیت هایی نظیر ذخایر و منابع انرژی و منابع دیگر (اورانیوم) حمل و نقل و غیره دارای آن چنان اهمیتی است که خواه ناخواه توجه کشور های فرا منطقه ای، بخصوص آن هایی را که در تلاش برای اعمال کنترل و سلطه بر سایر نقاط جهان هستند، جلب می کند.

ژئوپلتیک منطقه خزر از یک سو ناظر بر نقش آفرینی این بازیگران جدید و بررسی عناصر، منابع و موقعیت هایی است که در اثر این تغییرات به وجود آمده و از سوی دیگر به نقش ژئوپلتیک جهانی که با پایان گرفتن جنگ سرد وجهه جدید و تعاملاتی که از این رهگذر به تعاملات منطقه ای وارد می شود توجه دارد. منطقه خزر حلقه اتصال میان ۵ کشور آسیای مرکزی و ۳ کشور قفقاز است و از نقش آفرینی کشور هایی مثل ازبکستان و گرجستان در ژئوپلتیک منطقه خزر هر چند در شمار کشورهای ساحلی نیستند نمی توان غافل شد. در این منطقه وسیع ژئوپلتیک جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کشورهای تازه استقلال یافته از سابقه بسیار طولانی حاکمیت برخوردار است و به عنوان یک قدرت منطقه ای محسوب می شود و به همین دلیل نقش آفرینی ایران در حل مسائل منطقه ای حائز اهمیت است و به ویژه این که در بستر سازی برای رژیم حقوقی ایران با آسیای میانه تعامل لازم را خواهد داشت.^۱

شکل گیری نظام جدید ژئوپلتیک در سطح جهان تاثیر قاطعی بر وضعیت ژئوپلتیک منطقه داشته است در این نظام جدید که از آن می توان با عنوان دوره گذار ژئوپلتیک نام برد آمریکا متعاقب حذف ابر قدرت رقیب در صحنه بین المللی و به عنوان تنها ابر قدرت باقی مانده برای خود یک رسالت جدید در حل و فصل مسائل جهانی قائل شده است. تلاش سازمان یافته و واشنگتن در جهت بزرگنمایی دور از واقعیت در آمار ذخایر هیدروکربن دریای خزر و انتشار آن توسط وزارت انرژی آمریکا در جذب شرکت های

- مریم پرورشی سیاست های منطقه ای و فرامنطقه ای در قبال نظام حقوقی دریای خزر عصر آزادگان

نفی و سرمایه گذاری آنان در منطقه موثر بوده است و سعی دارد ثروت هیدر و کربنی آسیای مرکزی را از طریق خطوط لوله بجز از مسیر ایران به یغما ببرد، در حالی که مسیر ایران امن ترین و ارزان ترین مسیر است و در این جا است که نقش آفرینی ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای می تواند با تعامل منطقی با کشور های آسیای مرکزی به ویژه ترکمنستان آن ها وادار نماید تا به قدرت های فرا منطقه ای بقبولاند که مسیر ج. ۱.۱ برای ایجاد و احداث خط لوله مناسب ترین مسیر است

" می توان ادعا نمود که بهره برداری از منابع انرژی دریای خزر و کشور های آسیای مرکزی صرف نظر از جنبه های تجاری، ماهیتی به شدت سیاسی یافته است زیرا کشورهای آسیای مرکزی صرف نظر از جنبه های تثبیت نظام سیاسی موجود خود را با تکیه بر قدرت های فرا منطقه ای می داند تا دیگر بار مشکلات سابق فرا روی آنان قرار نگیرد و بنابراین این کشورهای منطقه در طلب ثبات سیاسی و تقویت توان اقتصادی به قدرت های فرا منطقه ای روی آوردند.^۱

آمریکا منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را در عرصه منافع استراتژیک و راهبردهای خود می داند و حوزه خزر با ذخایر انرژی قابل توجه آن در کانون توجه مقامات این کشور قرار گرفته است و منطقه خزر را منطقه بالقوه مهم برای تامین انرژی غرب و اقتصاد جهان تلقی می کند و آن را به عنوان کریدور انتقال مواد خام از مرکز قاره اوراسیا تلقی می نماید و این امر یکی از عوامل تعیین کننده سیاست آمریکا نسبت به کشور های منطقه می باشد، بنابراین راهبرد آمریکا در منطقه در نهایت نه تنها اقتصادی بلکه استراتژیک

^۱ - موسی الرضا وحیدی سیاست های خارجی در دریای خزر مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۳۲

و سیاسی است. کشور ج.ا.ا نیز در منطقه به دنبال منافع ملی خود می باشد و دوست دارد جای پای در منطقه پیدا کند و این عملی نمی شود مگر با تعامل منطقی ژئوپلیتیکی با کشور های آسیای مرکزی، رژیم صهیونیستی نیز به دنبال تضعیف ایران و ایجاد رعب و وحشت است تا در معاملات و بازی های منطقه ای عقب نماند.

تعدادی از شرکت های غربی که در اکتشاف و بهره برداری نفت و گاز دریای خزر فعالیت دارند به شرح زیر می باشد

۱- شرکت سرمایه گذاری مشترک تنگیزشورویل (Tengiz chevroil)

این شرکت جهت بهره برداری از حوزه تنگه تنگیز در قزاقستان تشکیل شده و متشکل از شورون، موبیل قزاق اوایل و یک شرکت مشترک روسی - آمریکایی موسوم به لوک آرکو است.

شرکت های شورون ۴۵٪ موبیل ۲۵٪ سهام را در اختیار دارند و میزان سرمایه گذاری این شرکت ۲ میلیارد دلار می باشد. ذخیره نفتی حوزه تنگسیر ۶ تا ۹ میلیارد بشکه برآورد شده است و مصرف این کنسرسیوم تولید نفت به میزان ۷۵۰ هزار بشکه در روز تا سال ۲۰۱۰ است

۲- شرکت بین المللی نفت آذربایجان (AIOC) یا

Azerbaijan - International - Operation company

کنسرسیوم فوق متشکل از ۸ شرکت نفتی بهره برداری از سه حوزه نفتی چراغ، گونشلی، آذری در دریای خزر است. ذخایر این سه حوزه جمعاً ۵ میلیون تن برآورد شده است و شرکت های نفتی انگلیس با ۱۷/۱٪ و آماکو با ۱۷٪، اوناکال از آمریکا با ۱۰٪ اکسون ولوک اوایل روسیه با ۱۰٪ سهامداران اصلی این کنسرسیوم می باشند و قرار است بهره برداری از این حوزه سالانه به ۸۰۰ هزار بشکه در روز برسد.

۳- کنسر سیوم بهره برداری از حوزه نفتی شاه دنیز :

این حوزه نفتی در فاصله ۴۳ مایلی از سواحل جمهوری آذربایجان واقع است و قرارداد آن در ژوئن ۱۹۹۶ بین آذربایجان و یک شرکت انگلیسی با ۲۵/۵٪، شرکت دولتی نفت اتریش با ۲۵٪، شرکت ملی نفت ایران با ۱۰٪ و ترکیه با ۹٪ برای مدت ۲۰ سال منعقد گردیده است.

۴- شرکت بین المللی خزر (cipco)

(The Caspian international petroleum company)

جهت توسعه و بهره برداری از حوزه نفتی مرکز خزر در حال انجام است شرکت ترکمنستان، شرکت های مشترک روسی، ایتالیایی، سوکار آذربایجان و نیز اوپل از آمریکا به طور مشترک در حال بهره برداری و اکتشاف می باشند.

۵- شرکت عملیاتی سرمایه گذاری مشترک آبشرون شمالی :

توسط دلتای عربستان سعودی و ایتوجو از ژاپن و گازپروم روسیه و شرکت ترکمنستان در حال فعالیت و بهره برداری از شرق دریای خزر می باشند.

۶- کنسر سیوم بین المللی بهره برداری از حوزه گاز کارا چاگانگ:

این حوزه در قزاقستان متشکل از شرکت آجیپ، برتیش گاز، تکزا کولوک اوپل فعالیت دارند^۱ منابع نفت و گاز دریای خزر به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک آن دارای پیامدهای قابل ملاحظه ای می باشد که از جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود

الف) برای کشورهای آسیای مرکزی و حتی قفقاز صادرات طبیعی تنها اهرم مناسب و نوید دهنده در کوتاه مدت از نظر استراتژی توسعه است و یاب به عبارت دیگر توسعه

^۱ - فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز از انتشارات وزارت امور خارجه سال ۱۳۸۰ صفحات ۶۴ تا ۶۷

نفت و گاز عامل تعیین کننده ای جهت استقرار و ایجاد اقتصادهای ملی، حرکت به سمت اقتصادی محسوب می شود

ب) چشم انداز دز آمدهای نفت و گاز و پیامدهای آن بر توسعه اقتصادی منطقه، بر ثبات سیاسی این کشورها و روابط درون گروهی منطقه آسیای مرکزی وقفه‌آز که به طور سنتی با معضلات مختلفی چون منازعات قومی مواجه است، تأثیری گذارد.

ج) توسعه صادرات نفت و گاز وابستگی این کشورها (آسیای مرکزی) را به روسیه کاهش می دهد و استقلال سیاسی آن ها موجب تضعیف روسیه شده و اعمال سلطه روسیه را مجدداً به این کشورها دشوار می نماید.

د) بهره برداری از حوزه نفتی خزر اگر چه با هدف استراتژیک جلوگیری از رشد اسلام اصول گرا در منطقه مرتبط است لیکن موجب ایجاد فرصت های شغلی جدید می شود.

جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن پتانسیل های بالقوه و بالفعل می تواند شرکت های سرمایه گذار در منطقه خزر را تحت تاثیر قرار دهد و به سوی خود سوق دهد.

۱- موضع ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در خصوص رژیم حقوقی

دریای خزر:

از نقطه نظر جمهوری اسلامی ایران رژیم حقوقی دریای خزر بر اساس معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ کماکان اعتبار دارد و چگونگی سرمایه گذاری و بهره برداری از منابع بستر سطح دریا بایستی بر مبنای اتفاق آرای تمام دولت های ساحلی تعیین و مشخص گردد و از این ایده نیز حمایت می کند.

بدین جهت در سال ۱۹۹۲ ایده تشکیل سازمان همکاری دولت های ساحل خزر مطرح گردید و در سال ۱۹۹۳ پیش نویس موافقت نامه ای در خصوص همکاری منطقه ای در دریای خزر و ایجاد سازمان منطقه ای مورد بحث را بر اساس بهره برداری مشترک ارائه

داد. در این پیش نویس تشکیل شورای خزر و کمیته هائی در رابطه با چگونگی همکاری مطرح شده بود و در سال ۱۹۹۴ در مسکو مورد بحث و بررسی قرار گرفت که به دلیل مخالفت آذر بایجان به مورد اجرا گذارده نشد. ولذا مادامیکه رژیم حقوقی جدید جایگزین رژیم حقوقی قبلی با موافقت ۵ دولت ساحلی برقرار نگردد، رژیم قبلی بین ج.ا.ا. و روسیه کما فی السابق دارای اعتبار است.

جمهوری اسلامی ایران تاکنون چندین بار به اقدامات آذربایجان در بهره برداری یک جانبه از ذخایر دریای خزر اعتراض نموده و اعلام کرده مسئولیت کامل پیامدهای این گونه اعمال یک جانبه متوجه دولت مذکور خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران در جریان مذاکره با کشورهای روسیه و ترکمنستان به ترتیب در سال ۱۹۹۸ اعلام نمود رژیم حقوقی مشاع کماکان مناسب ترین نظام حقوقی تلقی می گردد و آمادگی خود را برای تقسیم عادلانه این دریا در بستر و روی آب اعلام نمود. در اواخر سال ۱۹۹۸ میلادی جمهوری اسلامی ایران با شرکت های نفتی شل و لاسمو برای انجام عملیات اکتشافی در دریای خزر اقدام نمود که این عمل مورد اعتراض کشور آذربایجان واقع شد و مجدداً کشور ما بر معاهده سال ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ با روسها تاکید ورزید و تقسیم مساوی و کامل سطح و بستر دریا را یادآور شد.

۲- انتقال نفت و گاز دریای خزر:

عدم دسترسی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به آبهای آزاد نه تنها این کشورها را در توسعه اقتصادی و ارتباط با جهان آزاد و بازارهای مصرف با دشواری مواجه ساخته است و لذا این کشورها به نوعی وابسته به کشورهای دیگرند که این امر به وضعیت ژئوپلیتیک منطقه تاثیر قابل ملاحظه ای گذاشته است و وضعیت انتقال منابع انرژی را از یک موضوع تجاری و اقتصادی به مسئله سیاسی و ژئواستراتژیک تبدیل کرده است. در حال حاضر خطوط لوله موجود در منطقه به شرح زیر ترسیم گردیده است.

الف) خطوط لوله باکوگروزی نوروسیسک در دریای سیاه:

ظرفیت این خطوط لوله در حال حاضر ۱۰۰ هزار بشکه در روز و طول آن حدود ۱۴۸۳ کیلومتر می باشد که ۹۰ مایل آن از چین می گذرد.

ب) خطوط لوله باکو - سوپا در دریای خزر:

طول این لوله ۵۱۶ مایل (۸۳۰) کیلومتر و ظرفیت آن حدود ۲۰۰ هزار بشکه در روز است و مقامات آذری استفاده از این خطوط لوله را به خطوط مسیر باکو - نوروسیسک ترجیح می دهند

ج) خط لوله او کارم - مرز ایران:

این خط لوله به طول ۹۰ مایل در خاک ترکمنستان گاز حوزه کورپچه یا کورت جه در غرب ترکمنستان را به شبکه توزیع گاز ایران مرتبط می سازد و کشور ماهمه ساله ۸ میلیارد متر مکعب گاز خریداری و در شمال کشور مورد بهره برداری قرار میدهد و در نیروگاه نکا نیز از آن استفاده می نماید این مسیر از علی آباد کردکوی واقع در استان گلستان بطول ۱۴۴ کیلومتر به نیروگاه نکا می رسد.

د) خطوط لوله پیشنهادی در دست ساخت:

طول این خطوط لوله ۹۰۰ کیلومتر توسط کنسر سیوم خط لوله دریای خزر به رهبری شرکت شورون با هزینه ای برابر ۲/۳ میلیارد دلار در دست احداث است و ظرفیت آن ۱/۳۴ میلیون بشکه در روز می باشد که حوزه نفتی تنگیز در قزاقستان را از طریق روسیه به بندر نوروسیسک در دریای سیاه منتقل می کند.

ه) خط لوله باکو جیحان:

به طول ۱۱۰۰ مایل و هزینه آن تقریباً ۳/۳ میلیارد دلار می باشد و ظرفیت آن روزانه ۱ میلیون بشکه خواهد بود و توافق برای احداث آن در سال ۱۹۹۹ بین کشورهای ترکیه، گرجستان، جمهوری آذربایجان و قزاقستان در حضور رئیس جمهور آمریکا منعقد شد.

(و) خطوط لوله اوکارم - تبریز - آنکارا:

قرارداد این خطوط لوله در سال ۱۹۹۷ بین ج.ا.ا، ترکیه، ترکمنستان بسته شد و برای انتقال سالانه یک بیلیون فوت مکعب گاز ترکمنستان به اروپا از طریق ایران و ترکیه می باشد. طول این خط لوله ۱۳۵۰ مایل است. عملاً تا اروپا امتداد خواهد داشت و هزینه ساخت آن ۱/۶ میلیارد دلار بر آورد شده است.

(ز) خط لوله ترکمنستان - افغانستان - پاکستان:

قرار داد این خط لوله در ژوئیه ۱۹۹۷ بین نمایندگان شرکت های یونوکال از آمریکا و دلتا اوایل از عربستان سعودی جهت انتقال گاز ترکمنستان به امضاء رسید هزینه ساخت حدوداً ۳ میلیارد دلار و قرار است روزانه ۲ میلیارد فوت مکعب گاز را انتقال دهد.

(ح) خط لوله انتقال گاز ماورای خزر: (TCP)

برای انتقال گاز حوزه ترکمنستان به اروپا از طریق بستر دریای خزر، جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه موافقت نامه اصولی مربوط به ساخت این خط لوله به همراه موافقت نامه خط لوله باکو جیحان در سال ۱۹۹۹ در حاشیه اجلاس سران کشورهای عضو در استانبول توسط کشورهای فوق الذکر منعقد گردید و هزینه احداث آن ۲/۵ میلیارد دلار بر آورد شده است و بایستی از عمق ۴۰۰ متر از سواحل ترکمنستان تا سواحل جمهوری آذربایجان کشیده شود البته تحقق آن با مشکلات عدیده ای همراه است و آمریکا بیشتر مشوق آن است و هدفش عبارت است از:

- دور نمودن ج.ا.ا و روسیه و جلوگیری از تاثیر گذاری این دو کشور در صدور نفت آسیای مرکزی و قفقاز
- گسترش نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز
- سوق دادن کشورهای فوق به سوی غرب

- تقویت ترکیه به عنوان یک متحد ناتو^۱

مجاورت منطقه با سه دولت روسیه، چین و ایران که دارای سیاست خارجی مستقل از آمریکا هستند از دیگر عوامل اهمیت آن محسوب می گردد.

رقابت های ژئوپلیتیکی فوق الذکر و حساسیت های سیاسی دریای خزر را نیز که حلقه اتصال آسیای مرکزی و قفقاز است شامل می شود وهم اکنون منابع دریای خزر ماهیتی سیاسی یافته و به شدت تحت تاثیر عوامل ژئوپلیتیک و تحولات بین المللی قرار گرفته است نتیجه این که قدرت های فرامنطقه ای مبارزه سیاسی شدیدی را برای کنترل منابع انرژی و بهره برداری از آن آغاز کرده اند که همه ناظرین اتفاق نظر دارند این نبرد نه تنها در مورد نفت و گاز است بلکه نتیجه آن شکل دهنده آینده یکی از پر آشوب ترین مناطق جهان خواهد بود به علاوه اهمیت ژئوپلیتیکی منابع نفت و گاز در آن است .

مضافاً اینکه کشورهای آسیای مرکزی با هم دیگر دارای اختلاف مرزی بالقوه دیرینه هستند و می توان گفت به عنوان آتشی زیر خاک باقی مانده است از جمله اختلافات ترکمنستان با ازبکستان و ازبکستان با تاجیکستان را می توان نام برد .

(۲) اهمیت ژئوپلیتیکی ایران:

از قرن ها قبل از میلاد مسیح کشور ایران به دلیل واقع شدن بر سر راه ارتباطی میان سه قاره آسیا، اروپا، آفریقا اهمیت ارتباطی زیادی داشته است و زمامداران زمان از هیچ اقدامی برای استفاده از چنین موقعیتی در تاسیس راههای ارتباطی و به کار گیری پیک های سریع فروگذار نکرده اند، بعدها عبور کاروان ها از مسیر ایران و ایجاد جاده ابریشم و کاروان سراهها برای ارائه خدمات به تجار، موجب پیدایش مرکز داد و ستد و نهایتاً شهر های مهم

- دره میرحیدر مقاله ای تحت عنوان ژئوپلیتیک دریای خزر-مندرچ درمجله آسیای مرکزی و قفقاز سال ۱۳۸۰

ایران گردید که این اهمیت ارتباطی را آشکار ساخت. البته از پیامدهای منفی این موقعیت چهار راهی نیز نبایستی غافل شد. از قرن هیجدهم به ویژه در قرن ۱۹ میلادی اهمیت ژئوپلیتیک ایران در دوجنگ جهانی آشکار گردید و خدمات و صدمات زیادی که در نتیجه اشغال ایران بی طرف، در طول دو جنگ جهانی بر مردم و تاسیسات زیر بنایی این کشور وارد شد بر همه روشن است. در سال های بعد از جنگ دوم جهانی رقابت بین دو ابرقدرت شوروی و آمریکا در ایران مثل سایر مناطق ادامه یافت. ویژگی دیپلماسی ایران در دوره بهره برداری از این موقعیت با برانگیختن یکی علیه دیگری بود. و به این ترتیب استقلال و تمامیت ارضی ایران به صورتی محفوظ ماند.

بعد از فروپاشی شوروی با باز شدن درهای کشورهای حوزه خزر بر روی شرکت های بزرگ نفتی و سرمایه گذاری های خارجی و توجه قدرت های فرامنطقه ای به یک منبع جدید انرژی که می تواند پشتیبان بالقوه منابع هیدروکربن در خلیج فارس باشد باردیگر اهمیت این منطقه از نظر ارتباطی و استراتژی آشکار شد. به علاوه با فروپاشی شوروی راه تنفسی شمالی برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده و ایران نه تنها در گوشه خاورمیانه بلکه در مرکز این محدوده جغرافیایی واقع شده که حیطة عمل آن را به طور چشمگیری افزایش داده است در دوره جدید با عنایت به بروز دگرگونی در ماهیت رابطه قدرت در نظام بین المللی که سیاست های مبتنی بر قدرت اقتصادی جایگزین سیاست های حاد مبتنی بر قدرت نظامی شد، جایگاه ژئوپلیتیکی ایران نیز در این جهت تحول یافته است،^۱

- عطا الله تقوی اصل، ژئوپلیتیک جدید ایران: قزاقستان تا گرجستان، مرکز چاپ و انتشارات وزارت

امور خارجه، تهران ۱۳۷۹ ص ۱۳-۱۴

گسترش روابط اقتصادی و توسعه زیر ساخت ها جهت اتصال حوزه جنوبی شوروی سابق به بازار جهانی می تواند اقتصاد ایران را تقویت نماید و در نهایت نیز امکان احیای روابط با مردمی که با ایرانیان مشترکات تاریخی، مذهبی و فرهنگی و زبانی فراوان داشته پدید آورد^۱

کشور ایران برای منطقه محصور آسیای مرکزی یک کشور ترانزیتی مطلوب است که می تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین وجهی به دریای آزاد به رساند و با وجود تمام تلاش آمریکا برای نادیده گرفتن این ویژگی و سیاسی کردن راه انتقال نفت و گاز، هنوز ایران به عنوان امن ترین، اقتصادی ترین و کوتاه ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آب های آزاد مطرح است. شرکت های نفتی نیز هنوز نتوانسته اند متقاعد شوند که تاسیس خط لوله باکو - جیحان از سود دهی مناسبی برخوردار است امتیازهای مسیر ایران در مقابل سایر مسیرها شرق به غرب دارد که عبارت است از

الف) قرار گرفتن بین آب های دریای خزر و خلیج فارس که کوتاه ترین راه ممکن برای انتقال این منابع می باشد و موقعیت مرکزی برای صادرات نفت به اروپا، کشورهای غربی، ژاپن، چین و کشورهای حوزه جنوب آسیای جنوب شرقی، در واقع خط لوله هایی که قرار است نفت قزاقستان و ترکمنستان را از شرق دریای خزر به منطقه قفقاز و از آن طریق به دریای مدیترانه منتقل نمایند، مقصد نهایی آن ها فقط اروپا است که از نظر عرضه انرژی تقریباً یک منطقه اشباع شده است، در حالیکه ارسال این منابع از مسیر ایران که به بنادر خلیج فارس منتهی می شود نه تنها قابل انتقال به غرب بلکه بازارهای آسیایی را هم که در دراز مدت می تواند تقاضای بیشتری برای انرژی داشته باشد، در بر می گیرد

۱- ادموند هرزیک ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق ترجمه کاملیا احتشامی اکبری مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران سال ۱۳۷۹ ص ۱۱

یادآور می گردد طبق گزارش ها افزایش تقاضا برای نفت در اروپای ۱۰ تا ۱۵ سال آینده بیش از یک میلیون بشکه در روز خواهد بود در حالیکه افزایش تقاضا در جنوب شرق آسیا در همین مدت حدود بیش از ۱۰ میلیون بشکه در روز خواهد بود.^۱

ب) مسیر ایران از مناطق اوستیای جنوبی و تنگه های شلوغ ترکیه و یا مناطق بحرانی جنوب شرق ترکیه دور است

ج) برخورداری ایران از امکانات و تجهیزات فنی برای صادرات نفت و گاز که موجب کاهش قابل توجه در هزینه های مربوط به انتقال انرژی می گردد. بنابراین مسیر ایران نه تنها به دلیل کوتاه بودن در مقایسه با خطوط لوله باکو - جیحان بلکه با به کارگیری خطوط لوله موجود در این کشور، اقتصادی نیز هست، به دلیل مذکور با وجود توافق هایی که میان کشور های منطقه و با پشتیبانی آمریکا درباره احداث خط لوله باکو - جیحان صورت گرفته هنوز شرکت های نفتی در این مورد مردد هستند و جا دارد جمهوری اسلامی ایران با اعمال سیاستی ناظر بر موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی خود از این امتیاز بالقوه بهره برداری نماید.

(۳) تاثیر ژئوپلیتیک بر مسائل دریای خزر:

تاثیرات ژئوپلیتیک دریای خزر را در تمامی امور مربوط به این حوزه می توان به وضوح مشاهده کرد که ذیلاً این تاثیرات بر رژیم حقوقی و منابع هیدروکربن و انتقال آن مورد بررسی قرار می گیرند:

الف) شرایط ژئوپلیتیک منطقه و ملاحظات سیاسی و اقتصادی مرتبط با کشورهای حاشیه آن می باشد، اما حضور نیروهای فرامنطقه ای و تاثیراتی که آنان روی این کشورها دارند

۱-Caspian sea region,energy information administration-www,eia,jun 2000,p2

موجب بروز مشکلاتی شده است و تقسیم دریا در بستر و مشاع بودن آن در سطح از نظر ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک غیر عملی و غیر منطقی به نظر می رسد.

ب) مسائل رژیم حقوقی دریای خزر و انتقال انرژی به یکدیگر مرتبط و متاثر از هم بوده و در صورت یافتن راه حلی در مورد مشارکت کشورهای روسیه و ایران در زمینه انتقال نفت، این امر می تواند حل و فصل مسائل مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر را تسهیل نماید.

ج) به طور کلی حل و فصل رژیم حقوقی دریای خزر، بهره برداری از منابع طبیعی، انتقال انرژی و ترتیبات همکاری بین دولت های منطقه، به علت ورود این منطقه در معاملات سیاسی و جلب توجه جامعه بین المللی به آن به شدت تحت تاثیر ژئوپلیتیک و سیاست های کشورهای فرامنطقه ای قرار گرفته است. ج.ا.ا از نظر ژئوپلیتیک در منطقه از موقعیت ممتازی برخوردار است که بر هیچ کدام از کشورهای ساحلی این دریا پوشیده نیست و بدون حضور قوی ایران هیچ کدام به نتایج اصولی دست نخواهد یافت.

با این وجود آمریکا سعی دارد نقش ایران را ناچیز جلوه داده و در مباحث و معادلات سیاسی نام ایران را حذف نماید و از تاثیر گذاری آن بکاهد. همچنین سیاست های آمریکا در ژئوپلیتیک دریای خزر با روسیه که بنا به دلایل تاریخی و جغرافیایی از منابع استراتژیک برخوردار می باشد در تعارض است.

د) با توجه به امتیازات ویژه و بیان مزیت های مسیر ایران به شرکت های غربی موجب رجحان این مسیر به سایر مسیر ها خواهد بود، زیرا علت طرح خط لوله باکو - جیحان ملاحظات سیاسی بوده اید، ملاحظات اقتصادی و لذا اگر پیشرفت بارزی در منجست ایران و کشورهای منطقه و فرا منطقه ای حاصل نشود، چشم اندازی روشن برای عبور نفت از مسیر ایران وجود ندارد و بایستی کشورهای آسیای مرکزی و شرکت فرا منطقه ای سرمایه گذار را به پذیرش منطقی بودن مسیر ج.ا.ا متقاعد نمود.

ه (ج. ۱.۱ به عنوان یک قدرت منطقه ای و آمریکا به عنوان یک قدرت بین المللی در گسترش توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی منطقه خزر نقش متقابل دارند و آمریکا و ترکمنستان بایستی پی به اهمیت ژئوپلیتیکی ایران ببرند و واقع بینانه آن را در تصمیم گیری های خود مد نظر قرار دهند،^۱

ادامه مقاله در شماره بعدی



- موسی الرضا حیدری، سیاست خارجی روسیه در دریای خزر، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۳۲ ص ۹۷ تا ۹۹